



گفت‌وگویی «جوان» با ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق وزارت آموزش و پرورش درباره توجه شعاری به آموزش و پرورش

«معلم آینده‌ساز» معیشت کامل و ذهن فارغ می‌خواهد

مرکز پژوهش‌های مجلس: آموزش و پرورش ۴۴ هزار میلیارد تومان به فرهنگیان بدهی دارد

وعده هموارشدن مسیر آینده‌سازان مملکت و برقراری عدالت آموزشی سال‌هاست از زبان این وزیر و آن وزیر شنیده می‌شود، تک‌تک آنها به اهمیت و لزوم توجه به آموزش و پرورش جهت ارتقای شرایط کیفی و اخلاقی کشور تأکید داشته‌اند، اما تمام این جملات فریبنده، همواره در حد حرف بوده و است، به طوری که ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق وزارت آموزش و پرورش که خود نیز سال‌ها در این حوزه کار کرده و از نزدیک دسترسی بر آتش داشته بر شعاری بودن تمام وعده‌های زیبایی که از گذشته تا امروز داده شده است، صحنه می‌گذارد، مثلاً اینکه آقایان متأسفانه با وجود تمام تفاهای ظاهری، توان برداشتن قدم از قدم ندارند، چراکه هیچ یک از شرایطی که باید، مهیا نیست. با وجود این هیچ‌کدام مسئولی از دیروز تا امروز زیر بار این مهم نرفته است که اگر رفته بود، همچنان در نقطه صفر با حسرت به آینده‌ای که شاید بتواند متفاوت باشد، نگاه نمی‌کردیم. کمتر کسی است درباره اهمیت آموزش و پرورش نداند؛ اینکه باید تعلیم و تربیت آینده‌سازان کشور به بهترین شکل ممکن انجام شود، با وجود این اما خلاف آنچه باید، رفتار می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم اخیراً اعلام کرده بدهی آموزش و پرورش به فرهنگیان حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان است. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید با ابراهیم سحرخیز پیرامون این موضوعات است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده بدهی آموزش و پرورش در سنوات گذشته به خصوص در پرداخت مطالبات فرهنگیان در مجموع حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان است؛ رقمی معادل ۱۶ درصد کل بودجه این وزارتخانه در سال جاری؛ ارزیابی شما از این بدهی چیست؟

از سال ۱۳۷۰ یعنی بیش از سه دهه آموزش و پرورش دچار دردی مزمن شده است؛ در دزمین نداشتن بودجه‌ای واقعی. باید در تمام این سال‌ها بودجه آموزش و پرورش واقعی‌سازی می‌شد تا عده مشکلات موجود در آن حل شود اما توجهی به این موضوع نشده است. یکی از شاخص‌هایی که می‌شود قضاوت کرد که آموزش و پرورش مسا خوب اداره می‌شود یا نه؟ همین سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت است. در دولت دوازدهم، آقای نوبخت می‌گفت بودجه آموزش و پرورش عملیاتی واقعی خواهد شد، اما این اتفاق نیفتاد. الان هم متأسفانه همین اسامیل بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، سهم آموزش و پرورش ۹/۸ درصد است، در حالی که در سال ۱۳۸۷ سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت ۱۵ درصد بود یا حتی در دوران دفاع مقدس سهم ۱۶ درصد داشتیم، اما چند سال است، سهم سهم آموزش و پرورش به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد. شاخص دیگر برای ارزیابی وضعیت آموزش و پرورش در کشور بررسی سهم آن از تولید ناخالص داخلی است که در نرم دنیا و کشورهای منطقه بین ۴ تا ۵ درصد است اما در کشور ما کمتر از ۱ درصد است. متأسفانه چند ماه است حقوق معلمان خرید خدمات تسویه نشده است و اضافه‌کار آنها را ندادند، در حالی که معلمان بازنشسته یا معلمان شغلی که اضافه‌کار می‌کنند، می‌خواهند برای جبران کمبود معلم کمک‌حال مدارس باشند، اما گویا قرار نیست کمک‌حال آنها شود. بدتر اینکه در این تورم اقتصادی ساعتی ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان به هر معلم داده می‌شود، یعنی اگر یک نفر هر روز صبح تا بعد از ظهر در مدرسه کار کند و جای خالی یک معلم را از شب تا چهارشنبه پر کند، نهایتاً ۵۰۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرد، چراکه حدود ۵۰۰ هزار تومان هم بابت مالیات از او کسر می‌شود در چنین شرایطی معلم اگر سروس مدرسه بگیرد و با خود بچه‌ها را ببرد و بیاورد، درآمد بیشتری دارد؛ اینها باعث از بین رفتن انگیزه معلمی می‌شود.

وزارت آموزش و پرورش بدهی دارد و معلم هم از حقوقش راضی نیست، بدون شک اینها نتایج خوبی برای تعلیم و تربیت کشور به دنبال ندارد.

بله، دود این بدهی و ناراضی‌ها در چشم دانش‌آموزان می‌رود. وقتی معلم گرفتار و درگیر مشکلات مالی شود، انگیزه و علاقه‌ای برای کار کیفی ندارد. بدتر اینکه طی این سال‌ها شأن و کرامت او زیر سؤال رفته است. از سوی دیگر تراکم بالای کلاس‌ها برخی از معلمان را عاصی کرده است، مثلاً در اطراف تهران یکی از مدیران مدرسه گزارش داده که نسبت معلم به دانش‌آموزان یک به ۵۷ نفر است که در نتیجه همه اینها آموزش لطمه می‌بیند، حتی معلمی که بعد از پایان خدمت، بازنشت می‌شود نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه است، در حالی که در هر کدام از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، افراد بازنشسته فوراً پاداش‌شان را دریافت می‌کنند اما معلمان در آموزش و پرورش بعد از حدود ۳۵ سال خدمت، پاداش خود را ندرند؛ می‌گیرند تا جایی که حتی برخی از آنها می‌گویند با گذشت دو یا سه سال همچنان پول‌شان را تمام و کمال نگرفته‌اند، به همین دلیل است که برخی معلمان می‌گویند به بچه‌هایمان توصیه کرده‌ایم سراغ شغل معلمی نروند!

آمارهای خوبی نیز از وضعیت آموزش و پرورش در مدارس کشور دیده نمی‌شود، مثلاً گفته شده قشر یادگیری در ایران به ۴۴ درصد رسیده است.

همینطور است. مثلاً در دوره ابتدایی دو هدف عمده مهارت خواندن و نوشتن و همچنین حساب کردن را داریم. متأسفانه وضعیت نمرات برای همین خواندن و نوشتن است و زیر متوسط هستیم، حتی در علوم و ریاضی نیز جزو کشورهای رده پایین جدول محسوب می‌شویم. همه اینها نشان می‌دهد ما در حوزه آموزش مشکلات جدی داریم، در حوزه پرورشی



هم وضعیت مطلوبی نداریم، در شرایطی که حقوق معلمان بموقع پرداخت نمی‌شود و معوقات آنها باقی مانده است، چطور می‌خواهند تعداد معلمان پرورشی را در مدارس بیشتر کنند؟ یا مثلاً در مدرسه نشاط به وجود بیاورند و اردوهای هدفمند برگزار کنند؟ پس واضح است که باید دست در جیب مردم کنند؛ اما مردم حد و توانی دارند. شاید کسانی که وضع‌شان خوب است به مدارس غیردولتی و سمینار بروند، اما آنهایی که ناچارند به مدرسه عادی درس بخوانند و کلاس کنکور، جبرانی و فوق برنامه ندارند، چه کار باید کنند؟ وضعیت آموزش در عده روستاها بدتر از شهرهاست و در عشایر هم از آن بدتر. وقتی بچه دو زبانه است، مثلاً زبان مادری اش کردی است و می‌خواهد فارسی یاد بگیرد، ابتدا با مشکل مواجه می‌شود، پس باید آموزش بهتر و باکیفیت‌تری بگیرد اما عمدتاً از این موضوع غفلت می‌شود که به رشد نکردن و شکوفاندن دانش‌آموز عشایری منجر می‌شود.

در چنین شرایطی با کمبود معلم مواجه هستیم، با این بدهی آیا می‌توان کمبود معلم را جبران کرد؟
آقای فرهادی اعلام کرده که آموزش و پرورش، سال تحصیلی را با کمبود بیش از ۲۰۰ هزار معلم شروع کرده، قرار است ۶۷ هزار معلم هم امسال بازنشسته شوند، سال قبل ۷۰ هزار نفر دیگر بازنشت شدند، البته قصد بر این است که ۷۰ هزار نفر فقط جای تحصیلی جدید استخدام شوند که خوب این ۷۰ هزار نفر فقط جای بازنشسته‌ها را می‌گیرند، پس کمبود ۲۰۰ هزار معلم هنوز جای خودش باقی است. این یعنی جای خالی معلمان قرار نیست در سال تحصیلی جدید پر شود. شاید در یک اداره یا یک سازمان یک نفر جای سه نفر کار کند و از عهده آن هم بر بیاید اما در کلاس درس با جمعیت بالای دانش‌آموزان نمی‌شود راه به جایی برد. مگر نه اینکه شورای عالی آموزش و پرورش اعلام کرده است نرم مطلوب کلاس‌های درس باید بین ۱۷ تا ۲۳ نفر باشد، پس چرا به راحتی کلاس‌های ۴۰ تا ۴۵ نفره تشکیل می‌دهند؟ ما نمی‌توانیم تربیت جامعه‌را که سرمایه اجتماعی و انسانی کشور



۶۶

وقتی معلم گرفتار و درگیر مشکلات مالی شود، انگیزه و علاقه‌ای برای کار کیفی ندارد. بدتر اینکه طی این سال‌ها شأن و کرامت او زیر سؤال رفته است. از سوی دیگر تراکم بالای کلاس‌ها برخی از معلمان را عاصی کرده است، مثلاً در اطراف تهران یکی از مدیران مدرسه گزارش داده که نسبت معلم به دانش‌آموزان یک به ۵۷ نفر است که در نتیجه همه اینها آموزش لطمه می‌بیند

است، باری به‌جهت ببریم.

خب نیازهای آموزش و پرورش کاملاً مشخص است، چرا این نیازها مرتفع نمی‌شود؟

نگاهی به سازمان برنامه‌بودجه در این ۴۰ سال ببینید، یا می‌بینید ۱۸۰ درجه نقطه مقابل دیدگاه حاکمیت و رهبری است. رفتار آنها نشان می‌دهد باید کاری انجام شود که آموزش و پرورش دولتی به ستوه بیاید و اینقدر به مرگ بگیریم تا به تب راضی شوند تا مردم به سمت مدارس غیردولتی بروند و عادت کنند پول بدهند و به عنوان یک کالا، آموزش دریافت کنند. آیا ۴۰ سال زمان کافی نیست که مسئولان امر نیاز آموزش و پرورش را ببینند؟ جمعیت دانش‌آموزی مان مشخص است، رشد جمعیت دانش‌آموزی مان در دوره پنچ تا ۱۰ ساله هم قابل پیش‌بینی است و حتی تفکیک ابتدایی، متوسط اول و دوم را هم می‌توانیم داشته باشیم. اینکه چقدر معلم باید استخدام شوند، چقدر بازنشسته می‌شوند و چقدر فضای آموزشی داریم، با یک چرتکه‌اندازی ساده قابل محاسبه است. ما وجود اینکه همه چیز در سیاست‌های کلی نیز مشخص است، اما عده‌ای دست به دست هم داده‌اند آموزش و پرورش را زجر بدهند.

آیا با ادامه این وضعیت می‌توان نسبت به بهبود روند تربیتی در مدارس امیدوار بود؟

ما نزدیک ۱۰۰ هزار مدرسه داریم که هنوز خیلی از مدارس مری پرورشی ندارند. در این گیرودار مسائل فرهنگی که امروز در جامعه ایجاد شده و می‌گویم دانش‌آموز ما نسل آلفا و ضد است، پولی نیست که هویت‌سازی کنیم. مشاور مدرسه به تعداد کافی نداریم؛ مشاوره که از دوره ابتدایی همراه دانش‌آموزان باشد، در حالی که در کشورهای پیشرو در آموزش، مهم‌ترین بخشی که روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود، آموزش و پرورش است و آنچه مهم‌تر از همه به مقطع ابتدایی اهمیت می‌دهند، اما ما ابتدایی را راه کاره‌ایم، معلم خرید خدمات، کلاس‌های ۴۰ نفره و معلم کم‌تجربه که توانمندی کافی ندارد، همه را سه‌مقطع ابتدایی

۶۶ باید همه مسئولان کشور به این باور برسند که تقویت آموزش و پرورش، سرمایه‌گذار برای آینده است و بدون شبکه سرمایه انسانی مهم‌تر از نفت و معدن طلا به حساب می‌آید، بنابراین اگر می‌خواهیم به استقلال برسیم نیازمند دانستن انسان‌های تربیت‌شده و وطن‌دوست با هویت ایرانی-اسلامی هستیم و این وظیفه آموزش و پرورش کشور است

فرستاده‌ایم، در صورتی که پایه ابتدایی، تخصص است، هر کسی با هر مدرک تحصیلی نمی‌تواند دوره ابتدایی را درس بدهد. نباید آموزش و پرورش را فقط کمی ببینیم، معلم و مدرسه باید با کیفیت باشند. بحران امروز جامعه ما، کیفیت آموزش است. رفع بی‌عدالتی آموزشی که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید دارند با تقویت مدارس دولتی انجام می‌شود، اما خروجی این تأکیدات چه می‌شود؟ اینکه دانش‌آموزان مدارس عادی دولتی در کنکور رتبه نمی‌آورند، در المپیاد سهمی ندارند و بیشترین لطمه را نیز بچه‌های روستایی می‌بینند، چرا که آموزش کیفی پلی برای نجات آنها از زندگی در منطقه محروم است اما این پل را خراب کرده‌اند. مهارت‌آموزی، تقویت هنرستان‌ها، کم‌کردن بیگاری در جامعه و بار آوردن دانش‌آموزان کارآفرین خیلی خوب است اما اینها با کدام بودجه قرار است انجام شود؟ ما چند سال است اندر خم بموقع پرداخت‌کردن حقوق معلمان و معوقات‌شان هستیم، اگر معلم انگیزه پیدا نکند، بهترین، زبانتربین و مجلل‌ترین مدرسه با غنی‌ترین آزمایشگاه هم کمکی نمی‌کند. معلمی که حوصله نداشته باشد، نمی‌تواند آموزش خوبی بزند. آقای وزیر گفتند ما در آستانه الغوشدن برای جهان هستیم. این چه گویبی است که مدارس عادی دولتی آن، سهمی از رشته‌های خوب دانشگاه و المپیاد ندارند. در آزمون پرلز نیز که وضع‌مان خراب است، این الگو نیست.

به مسئله بی‌عدالتی آموزشی اشاره کردید. آیا می‌توان گفت بدهی ۴۴ هزار میلیارد تومانی آموزش و پرورش موجب دامن‌زدن به بی‌عدالتی آموزش می‌شود؟

بله، قطعاً همینطور است. اقتصاد، پاشنه آشیل آموزش و پرورش است. کتاب‌های درسی طی این سال‌ها تغییر کرده است. آیا من که ۲۰ سال پیش لیسانس گرفتم، می‌توانم جایگوی دانش‌آموز امروز باشم؟ توان چالش‌کردن با او را دارم؟ بدون شک به‌روشن شدن معلمان، منابع مالی و اعتبار نیاز دارد. مگر نه اینکه ایران قوی در گروه مدرسه‌قوی و مدرسه‌قوی در گروه معلمان قوی است. معلمان قوی نیاز به انگیزه و پرداخت بموقع مطالبات حقوق‌شان را دارند، اگر این اتفاق بیفتد، ما بهترین سرمایه‌گذاری را کرده‌ایم. طبق فرمایش مقام معظم رهبری، آموزش و پرورش بهترین دستگاهی است که ما را در دسترس به گنجینه‌های بی‌شماری می‌سازد. همانطور که در ۴۳ قانون اساسی آمده است، برای رسیدن به استقلال اقتصادی باید دنبال همگانی‌کردن آموزش و پرورش به عنوان نیاز اساسی باشیم، اما با وجود این می‌بینیم که رفتار سازمان برنامه‌بودجه به گونه‌ای است که به دنبال خصوصی‌کردن آموزش و پرورش است؛ در این زمینه نیز بارها گفته شده که منابع کم است، اما سؤال این است که اگر منابع کم است، چرا فقط برای آموزش و پرورش کم است؟ من سراغ ندارم در سایر دستگاه‌ها که کارمند اضافه‌کار می‌ماند، پولش را چند ماه بعد یا سال بعد بدهند؛ یا اگر بازنشست می‌شود تا دو سال دیگر هم پاداش نگرفته باشد. آنها حق جلسه، رفاهیات و پاداش را بموقع و کامل می‌گیرند.

راهکار ارتقای کیفیت آموزش و همچنین برقراری عدالت آموزشی مشخص است و متخصصان و کارشناسان این حوزه نیز بارها بر آن تأکید کرده‌اند، پس چرا خلاف آنچه باید عمل می‌شود؟

مقام معظم رهبری اردیبهشت ماه سال گذشته فرمودند، این فکر وجود داشته در برخی از مسئولان کشور در گذشته که آموزش و پرورش را از دولت جدا کنند، در واقع آنها می‌خواستند اجازه برون‌سپاری آموزش و پرورش را به بهانه خرج گرانش بگیرند، اما ایشان تربیت و تعلیم کشور را بر عهده نظام حاکم بر کشور دانستند و گفتند مسئله برون‌سپاری معنی ندارد، بنابراین باید گفت برخی از تصمیم‌گیران در حوزه آموزش و پرورش به دنبال خصوصی‌سازی آموزش هستند. باید همه مسئولان کشور به این باور برسند که تقویت آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری برای آینده است و بدون شبکه سرمایه انسانی مهم‌تر از نفت و معدن طلا به حساب می‌آید، بنابراین اگر می‌خواهیم به استقلال برسیم، نیازمند داشتن انسان‌های تربیت‌شده و وطن‌دوست با هویت ایرانی-اسلامی هستیم و این وظیفه آموزش و پرورش کشور است. سال پیش که اغتشاشات پیش آمد، همه توجهات به سمت آموزش و پرورش رفت که اگر روی معلم سرمایه‌گذاری شده بود، نتیجه بهتری می‌گرفتیم. در چنین شرایطی به عقیده من، آن وزیر ی که به آموزش و پرورش بیاید و بتواند کسری بودجه آموزش و پرورش را برای همیشه حل کند، نمره قابل قبولی می‌گیرد و اصلاً باید دستش را بوسید، در غیر این صورت با سخنرانی، حرف و گفتار درمانی راه به جایی نمی‌بریم.

۱۲ یادداشت

رابطه کیفیت آموزشی با بودجه‌دهی

تحت‌الشعاع خود قرار دهد. با همین متوال اگر مجدداً شاهد ادامه روند مشکلات مالی باشیم، از ترغیب نخبان جوان که در گذشته شوق حضور در کسوت معلمی را داشتند، به میزان قابل توجهی کاسته خواهد شد. عدم حضور این نخبان جوان، میزان خلاقیت مدارس و رقابت مدارس کشور برای هم‌سطح شدن با مسائل آموزشی روز دنیا را نیز تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. پیش‌تر در یادداشتی تحت عنوان «آموزش کالای بازاری نیست» به بررسی عواقب برون‌سپاری آموزش در این وزارتخانه که مسیری که دولت‌ها داشتن مسئولیت در این حیطه‌شانه خالی می‌کند، پرداختیم. نگاه دولتمردان به این وزارتخانه باید نگاه صرف‌گرایانه سابق نباشد بلکه باید نگاه راهبردی باشد. برای تربیت و آموزش نسل آینده این سرزمین که وزای هر سرمایه‌ای قرار دارد، هر چقدر میزان بودجه این وزارت افزایش یابد، نه تنها هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. تغییر نگاه سابق که ضربات سختی بر بیکره نظام آموزشی مدارس زده است، خود باید در اولویت فعالان آموزشی باشد که جایگاه این وزارتخانه را در رأس هرم بودجه‌دهی دولت قرار دهد.

اثرات بسیار ناگوار بر انجام فرآیندهای آموزشی و تربیتی در بخش‌های مختلف این وزارتخانه داشته است. مبالغ سنگین بدهی‌های برآورده خود بخشی از مشکلات است. عمق مشکل مالی این وزارتخانه آنجاست که سرانه بودجه دانش‌آموزان و مدارس آنقدر ناگفتی است که در برابر هزینه‌های عادی مدرسه به هیچ عنوان عدد قابل ذکری نیست و به تبع آن کیفیت مدارس را به حدی پایین آورده است که بودجه لازم برای تأمین نیازهای اولیه وجود ندارد و مدیران مدارس خود باید چاره‌ای برای رفع آن پیدا کنند.

از طرفی عدم پرداخت بموقع معوقات کارکنان در شکل‌های مختلف که ۴۴ همت برآورده شده است، اغلب پیش می‌آید یک تا دو سال پرداخت مبالغ بدهی‌ها به طول بینجامد با توجه به رشد تورم بدهی دو ساله دیگر مبلغ سودمندی به حساب نمی‌آید و متأسفانه به علت همین خلف‌وعده‌ها در پرداخت معوقات، کارکنان دیگر اشتیاق سابق را برای همراهی در فعالیت‌هایی که جدا از ساعات موظف هستند، ندارند و این مورد که در محافل مختلف کمتر به آن توجه شده است، می‌تواند کیفیت امتحانات و آزمون‌های مختلف را که جنبه رقابتی در سراسر کشور دارد،

پس از اعلام رقم بدهی‌های وزارت آموزش و پرورش از سوی دفتر مرکز پژوهش‌های مجلس که بالغ بر ۴۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است، این موضوع مورد توجه اغلب روزنامه‌ها و رسانه‌های مهم قرار گرفت. این نوشتار به بررسی رابطه کیفیت آموزشی و میزان بودجه‌دهی در این وزارتخانه می‌پردازد. امروزه شک و تردیدی نیست که هر نهاد و مجموعه‌ای برای پیشرفت و رسیدن به چشم‌اندازها باید در حیطه مالی نیز شرایط مناسبی را فراهم کرده باشد که افراد با آسودگی خاطر تمام ذهن شغلی خود را برای آن مجموعه صرف کنند.

شرایط مالی وزارت آموزش و پرورش مطابق پژوهش انجام‌شده در وضعیت مناسبی قرار ندارد و همین موضوع باعث شده است این وزارتخانه همواره با کاستی‌های فراوانی مواجه باشد و این کاستی‌ها که در ادامه به شرح تأثیرات آنها خواهیم پرداخت،



علی حسینی
مدیر آموزش و پرورش